

بررسی عوامل مؤثر بر صادرات غیرنفتی با تأکید بر عوامل غیرقیمتی

دکتر فرهاد دژپسند^۱

میثم امیری^۲

بنیامین ساوه^۳

چکیده:

از جمله راههای توسعه اقتصادی در کشورهای نفتی مانند کشور ایران، با یک اقتصاد تک محصولی وابسته به نفت، حرکت شتابان به سوی متنوع سازی و افزایش توانایی صادرات غیر نفتی است و این مهم جز با بررسی همه جانبه عوامل مؤثر بر صادرات غیرنفتی امکانپذیر نیست. در این مسیر به رغم این که در بسیاری از کشورهای توسعه یافته بررسی صادرات و واردات در چارچوب متغیرهای قیمتی مرتبط صورت می‌پذیرد (در کشور ما نیز اکثر تحلیل‌ها از این چارچوب فراتر نرفته‌اند)، اما به نظر می‌رسد در اقتصاد ایران شرایط نهادی، علمی، تکنولوژیکی و مدیریتی تأثیرات بسیار شگرف تری بر روی صادرات خواهند داشت. لذا در این مقاله سعی بر آن است که قدم را از مطالعات قبلی فراتر نهاده و با اضافه نمودن عوامل حقیقی و غیرقیمتی به مدل کمی صادرات غیرنفتی، میزان تأثیر آنها تخمین زده شود. به این منظور در این مطالعه صادرات غیرنفتی تابعی از متغیرهای نرخ ارز حقیقی، بهره وری کل عوامل تولید، تولید ناخالص داخلی و درجه باز بودن اقتصاد در نظر گرفته شده است و از روش *ARDL* به منظور برآورد مدل و بررسی اثر تغییرات هر یک از این عوامل بر صادرات غیرنفتی در طی سال‌های ۸۶-۱۳۵۳ استفاده شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که صادرات غیرنفتی به طور اساسی به وضعیت متغیرهای غیرقیمتی وابسته بوده و این تأثیر قابل ملاحظه و تعیین کننده است، به طوری که نتایج حاصل از برآوردها حکایت از تأثیر مثبت بهره وری، درجه باز بودن اقتصاد و تولید ناخالص داخلی بر صادرات غیرنفتی دارد، البته با توجه به وجود مشکلات مبنایی که در بخش تولید و صادرات کشور وجود دارد و با عنایت به نتایج برآورد شده، نرخ ارز تأثیر معنی‌داری بر صادرات غیرنفتی ندارد.

واژگان کلیدی: صادرات غیرنفتی، نرخ ارز حقیقی، درجه بازی اقتصاد، بهره وری کل عوامل تولید، روش *ARDL*

طبقه بندی JEL: E۳.F۴۳.D۲۴.C۵۰

^۱ استادیار دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، E.Mail: F_dejpasand@sbu.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، E.Mail: Amiry۸۲@yahoo.com

^۳ کارشناس ارشد برنامه ریزی سیستم های اقتصادی دانشگاه شهید بهشتی، E.Mail: benyamin۱۶۲@gmail.com

مقدمه:

در جهان امروز توسعه ملی بدون در نظر گرفتن تجارت خارجی قابل تصور نیست. بررسی جوانب تحولات اقتصادی ملل جهان بعد از انقلاب صنعتی نشان می دهد که کشورهای توسعه یافته جهان با استفاده از بخش مهم و تأثیرگذار صادرات توانسته اند بر قدرت سیاسی و اقتصادی خود بیافزایند. این مهم باعث شده است که اکثر کشورهای در حال توسعه، راه حل رهایی از توسعه نیافتگی خود را در تجارت جهانی و بین المللی جستجو کنند و دست به اقداماتی در خصوص اصلاح ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بزنند. مرور برنامه و اسناد توسعه کشور نیز بیانگر این واقعیت است که مقوله صادرات غیرنفتی در کشور ما مقوله تازه ای نیست و سال ها است که مشغولیت ذهنی بسیاری از مسئولان کشور مخصوصاً در زمان کاهش های ناگهانی قیمت جهانی است به گونه ای که در تمام برنامه های قبل و بعد از انقلاب، صادرات غیرنفتی مورد توجه بوده است. اما با این وجود بررسی آمارها نشان می دهد که صادرات غیر نفتی با وجود تمام این اقدامات و پتانسیلها از جایگاه چندان مناسبی برخوردار نیست.

در اینجا باید اشاره داشت با وجود آنکه تاکنون مطالعات بسیاری در این خصوص صورت پذیرفته است، اما اغلب این مطالعات صورت پذیرفته در کشورهای توسعه یافته، صادرات و واردات را در چارچوب عوامل قیمتی مورد بررسی قرار داده اند، حال آنکه به نظر می رسد در اقتصاد ایران شرایط نهادی، علمی، تکنولوژیکی و مدیریتی برای صادرات آماده نیست و باید عوامل غیرقیمتی را نیز در کنار عوامل قیمتی مثل نرخ ارز و تورم در تحلیل صادرات غیرنفتی به حساب آورد. براین اساس در این مطالعه سعی شده عوامل حقیقی مثل بهره وری و رقابت پذیری را در کنار عوامل قیمتی وارد مدل صادرات غیرنفتی نموده و با برآورد کمی مدل آن، نقش مهم این عوامل در توسعه صادرات را آشکار سازیم تا راه کارهایی را جهت گذار از اقتصاد بسته به یک اقتصاد باز که رشد و شکوفایی را به ارمغان آورد، به مدیران اقتصادی جامعه ارائه دهد.

۱. مروری بر نظریات تجارت بین الملل:

با توجه به اینکه کشور ما از جمله کشورهای در حال توسعه محسوب می شود، تحلیل هر متغیر کلان کلیدی مثل متغیر صادرات ضرورتاً باید در دو قلمرو صورت بگیرد، یکی در چارچوب تحلیل های معمول و دیگری در چارچوب اقتصاد توسعه، به گونه ای که این دو بحث همدیگر را تکمیل کنند. بر این اساس در این بخش ضمن اشاره به روند نظریات ارائه شده در خصوص تجارت بین الملل جایگاه آن در توسعه اقتصادی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. از نخستین نظریه های ارائه شده در خصوص تجارت بین الملل می توان به نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت که در کتاب "ثروت ملل" (۱۷۷۶) مطرح گردید، اشاره داشت. ارائه این نظریه سبب گردید که دیگر نظریه پردازان نئوکلاسیک همانند ریکاردو به تشریح و بسط نظریه مزیت مطلق پرداخته و دیگر نظریات خود نظیر مزیت نسبی را ارائه دهند. اما این نظریات و تئوریها دارای اشکالات فراوانی بوده که می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- در این نظریات صرفاً یک عامل تولید در مقایسه هزینه ها منظور شده و آن هم عامل کار می باشد.

۲- مبادله بین کشورها تنها از دید تولید بررسی شده است.

۳- نقش تقاضا در تعیین جهت مبادله در نظر گرفته نشده و تنها هزینه تولید مشخص کننده مقدار تولید و مؤثر در تجارت است.

اما این پایان راه نبود چرا که برای رفع این نقایص، نئوکلاسیکها تئوری های جدیدی مثل نظریه "هزینه فرصت هابرلر" و نظریه "برخورداری از عوامل تولید" ارائه نموده اند. اما همه این نظریات بر پایه یک رشته فروض قرار دارند که مغایر با واقعیات روابط کنونی بین المللی است. این نظریه ها غالباً به نتایجی می انجامند که با تجربیات تاریخی و فرآیند توسعه در کشورهای در حال توسعه بی ارتباط و بیگانه است. چرا که براساس نظریات سنتی اگر هر کشور در تولید کالایی که در آن مزیت نسبی دارد تخصص بدست آورد، آنگاه تولید جهانی افزایش یافته و هر کشور از طریق مبادله می تواند، منافع خود را نسبت به گذشته افزایش دهد. با توجه به توزیع موجود عوامل تولید و تکنولوژی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، بر اساس نظریه مزیت نسبی کشورهای در حال توسعه باید به تخصص در تولید و صادرات مواد خام، مواد معدنی و مواد غذایی به کشورهای توسعه یافته در مقابل واردات کالاهای صنعتی ادامه دهند.

هرچند وضعیت فوق ممکن است باعث حداکثر شدن رفاه در کوتاه مدت شود، ولی کشورهای در حال توسعه دست یافتند که این الگوی تخصص و تجارت آنها را به یک وضعیت وابسته به دیگر کشورها قرار داده و آنها را از دستیابی به منافع پویای صنعت و حداکثر رفاه در بلندمدت محروم می دارد.

آنچه تاکنون گفته شد به طور عمده تئوری تجارت آزاد از دیدگاه اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک ها می باشد. مفهوم اعمال سیاستهای بازرگانی در تجارت بین الملل و دخالت در امور تجاری کشور همانند اکثر سیاست های اقتصادی با ظهور انقلاب کینزی به سرعت گسترش یافت. از آن زمان به بعد دیدگاههای مختلفی در مورد ترازپرداختها و عوامل تعیین کننده تجارت بین الملل ایجاد شد که هر یک سیاست های خاصی را جهت تعدیل تجارت خارجی بکار می گرفتند. اهم این روشها دو روش مالی ترازپرداختها و روش پولی ترازپرداختها می باشد. در روش مالی بررسی ترازپرداختها در تحلیل تراز خارجی(تجارت بین الملل) بر متغیرهای مالی تأکید دارد و متغیرهایی نظیر مخارج کل، پس انداز کل و... در به تعادل رساندن آنها مهم می باشد(اصولاً روش مالی از یک دیدگاه کینزی تبعیت می کند). اما باید اشاره داشت این سیاست ها نیز مطابق با شرایط اقتصادی کشورهای صنعتی طراحی شده و نگرشی کوتاه مدت بر آنها حاکم است و به هنگام بروز مشکلاتی در تراز خارجی از آنها استفاده می شود. یعنی در صورت رفع نقیصه دیگر لزومی به اعمال آنها نمی باشد. این در حالی است که در کشورهای در حال توسعه به دلیل وجود تنگنایهای بنیادی و ساختاری در اقتصاد، مشکل کسری ترازپرداختها به صورت یک مشکل مزمن و دراز مدت درآمده و برخورد کوتاه مدت برای علاج این مشکلات ساده انگارانه است. برای حل معضل ترازپرداختها(و همچنین صنعتی شدن) در کشورهای در حال توسعه یک برنامه ریزی بلندمدت مورد نیاز است تا از طریق آن موانع و مشکلات از سر راه تولید داخلی حذف شده تا از این طریق تولید داخلی جایگزین واردات کالاها و خدمات شود و از سوی دیگر با رشد تولید در بخش های صادراتی شاهد توسعه صادرات در کشورهای مزبور باشیم، تا بدین وسیله کسری مزمن ترازپرداخت ها رفته رفته بطور اساسی و ریشه ای حل شود. البته مطلب فوق به این معنی نمی باشد که سیاست های تجاری در کشورهای در حال توسعه قابل استفاده نیستند. بلکه به این معنی است که اگر این کشورها بطور ساختاری مشکل تولید و ظرفیت تولیدی(و بهره وری عوامل تولید) را در داخل حل نکنند، استفاده از سیاست های تجاری(نظیر تعرفه، سهمیه، پرداخت سوبسید به صادرات و ...) در بلندمدت منجر به حل مشکل ترازپرداختها نخواهد شد. بنابراین این کشورها از یک استراتژی بلندمدت باید پیروی نموده و در کنار آن از سیاست های کوتاه مدت بازرگانی جهت برخورد با مشکل عدم تعادل خارجی بهره جویند. براین اساس می توان گفت صادرات بسته به جایگاه تاریخی و مرحله توسعه یافتگی هر کشور اهمیت و وزن متفاوتی به خود می گیرد. مشخصاً در دوران انجام و تکامل زیر ساخت ها (یعنی قبل از تولید انبوه کالاهای باکیفیت) تأکید روی طرف عرضه اقتصاد است. لذا صادرات به عنوان مازادی که از خرج کردن از داخل دریغ می شود، تقویت کننده رشد نیست؛

اما بعد از این مرحله صادرات از طریق ارتقاء بهره وری و تعامل با آن و نیز از طریق تقویت و تحریک سرمایه گذاری های کیفی موجب بهبود رشد می شود، در شرایط نبود تقاضا هم، صادرات موجب افزایش فروش محصول می شود و مثل سیاست انبساطی مالی، دستیابی به اشتغال کامل و محصول اشتغال کامل را تسهیل می کند.

در پایان این بخش همه این مطالب را می توان این طور جمع بندی نمود که در چارچوب نظری موضوع، صادرات علاوه بر وابستگی به نرخ ارز و قیمت ها به سرمایه گذاری های مبنایی (برای تأمین سرمایه های فیزیکی و انسانی)، تأمین نیازها و ضرورت های علمی، تکنولوژیکی، مدیریتی و تأمین کیفیت نیز وابسته است.

۲. پیشینه تحقیق:

مطالعه در مورد صادرات غیرنفتی کار تازه ای نمی باشد و سالهاست که مشغولیت ذهنی بسیاری از مسئولین کشورهای وابسته به نفت، مخصوصاً در زمان کاهش های ناگهانی قیمت جهانی نفت است. بررسی این مطالعات نشان می دهد اکثر کارهای انجام شده در این خصوص با پیروی از مطالعات صورت گرفته در کشورهای توسعه یافته عوامل مؤثر بر صادرات را در چارچوب عوامل قیمتی مورد تحلیل و بررسی قرار داده اند و حال آنکه به نظر می رسد در این کشورها به واسطه شرایط نهادی، علمی، تکنولوژیکی و مدیریتی نقش عوامل غیرقیمتی بسیار حائز اهمیت تر می باشد. در این میان برخی از محققین نیز که عوامل غیر قیمتی را به عنوان عوامل مؤثر بر صادرات در نظر گرفته اند فقط در توصیف به این موضوع پرداخته اند.

براین اساس می توان مطالعات صورت گرفته در خصوص توسعه صادرات غیرنفتی را به ۳ بخش عمده تقسیم نمود. بخش نخست مطالعاتی را شامل می شود که به متغیرهای قیمتی و پولی تکیه دارند. این بخش از مطالعات که دارای سابقه طولانی و حجم گسترده ای می باشد اغلب بر پایه مدل های اقتصادسنجی استوار شده اند. بخش دوم مطالعات تنها به متغیرهای غیرقیمتی پرداخته و در اکثر موارد به ساختارها و مقررات دست و پا گیر صادرات توجه کرده اند، در برخی از این متغیرهای غیرقیمتی به مواردی نظیر بهره وری و کارایی نیز به صورت محدود پرداخته شده و اکثر این مطالعات به صورت توصیفی بیان شده است. بخش دیگر این مطالعات را می توان به مطالعاتی اختصاص داد که در آنها هم متغیرهای قیمتی و هم متغیرهای غیرقیمتی مدنظر قرار می گیرند، دامنه این مطالعات بسیار محدود است. با این مقدمه در ادامه به برخی از مطالعات که در سالهای اخیر در داخل و خارج کشور انجام شده است، اشاره می کنیم.

۲-۱) مطالعات خارجی:

از جمله مطالعاتی که در سالهای اخیر انجام شده می توان به مطالعه یوآخیم واگنر^۴ (۲۰۰۷) اشاره نمود. آنها در مطالعه خود به بررسی رابطه میان صادرات و بهره وری طی سالهای ۲۰۰۶-۱۹۹۵ و در بین ۳۴ کشور (که شامل کشورهای پیشرفته صنعتی مانند ایالات متحده، انگلستان، کانادا

^۴. Joachim Wagner, ۲۰۰۷

و آلمان؛ همچنین کشورهای آمریکای لاتین مانند کلمبیا و مکزیک و کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته مانند استونی و اسلوانی و کشورهای آفریقایی) پرداخته اند. نتایج حاصل از تحقیق بر بالا بودن سطح بهره وری شرکتهایی که مبادلات بین المللی دارند نسبت به شرکت هایی که بازار داخل را به عنوان هدف انتخاب می نمایند و همچنین موفق تر بودن مؤسسات دارای بهره وری بالاتر در بازارهای جهانی تأکید دارد.

مطالعه دیگر مربوط به دیوید گرینوی و ریچارد لندر^۵ (۲۰۰۴) است که در آن از اطلاعات مربوط به ۱۱۲۲۵ موسسه بازرگانی کشور انگلستان در بازه زمانی ۲۰۰۲-۱۹۸۸ استفاده گردیده است. در این پژوهش مؤسسات بازرگانی به دو دسته صادرکننده و غیرصادرکننده تقسیم شده اند و پس از تحلیل تطبیقی اطلاعات نتیجه گرفته شده که یکی از عوامل مهم موفقیت در بازارهای جهانی افزایش بهره وری است. پژوهش دیگری که در این زمینه انجام پذیرفته است مربوط به عبدالناصر حاتمی^۶ (۲۰۰۱) می باشد که هدف از این مقاله پیدا کردن رابطه متقابل صادرات و بهره وری بوده و در آن از اطلاعات مربوط به کشورهای آلمان، ایتالیا، سوئد، انگلیس و فرانسه استفاده گردیده است و در مدل حاتمی بهره وری نیروی کار، بهره وری کل عوامل تولید و تولید ناخالص داخلی جزء عوامل موثر بر صادرات در نظر گرفته شده است و نتیجه حاصل از آن بر تأثیر مثبت بهره وری بر صادرات تأکید دارد.

۲-۲) مطالعات داخلی:

در این مورد کارهای ارزشمندی نیز در داخل کشور انجام گرفته است که می توان به مطالعات ذیل اشاره کرد: مریم کرمی در سال ۱۳۸۷ در پایان نامه خود به بررسی اثر تجارت الکترونیکی بر صادرات غیر نفتی می پردازد. وی در این رساله دو گروه از کشورها را مورد بررسی قرار می دهد. گروه اول شامل آمریکا، کانادا، فرانسه، کره جنوبی، مالزی، سنگاپور، چین، دانمارک و هند بوده و گروه دوم شامل کشورهای ایران، پاکستان، اسپانیا، ایتالیا، یونان و لهستان می باشد. داده های مورد بررسی در این پژوهش مربوط به دوره ۲۰۰۰-۲۰۰۶ و از روش داده های تابلویی استفاده شده است. نتایج نشان می دهد که تجارت الکترونیک بر الگوی تجاری کشورهای مورد بررسی تأثیرگذار است و با افزایش ضریب نفوذ اینترنت و هزینه های صرف شده روی تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، حجم صادرات این کشورها به طور معناداری افزایش می یابد.

در مطالعه دیگری که توسط محمد اکبری^۷ (۱۳۸۵) انجام گرفته است به بررسی میزان اثرگذاری ناطمینانی حاصل از نوسانات نرخ ارز بر روی صادرات غیرنفتی پرداخته شده است. وی در این تحقیق با کمی نمودن ریسک حاصل از نوسانات نرخ ارز، با استفاده از روش های اقتصاد سنجی و همگرایی به بررسی تأثیر این نوسانات بر صادرات غیرنفتی کشور می پردازد و نتایج مطالعه نشان می دهد که این تأثیر وجود دارد و این رابطه هم در کوتاه مدت و هم در بلندمدت معنی دار است.

عباس شاکری^۸ (۱۳۸۳) نیز در مقاله خود به بررسی عوامل مؤثر بر صادرات غیر نفتی می پردازد که در آن علاوه بر متغیرهای قیمتی به متغیرهای غیر قیمتی نیز نگاه شده است. در این مقاله از شاخص بهره وری کار و رقابت پذیری که به صورت نسبت صادرات ایران به صادرات جهانی و همچنین نسبت صادرات ایران به کره جنوبی تعریف شده استفاده گردیده است. برای تخمین از روش ARDL استفاده شده و بازه زمانی ۸۰-۱۳۴۰ است. در این مقاله پس از برآورد مدل به این نتیجه رسیده اند که شتاب صادرات غیر نفتی به طور اساسی به وضعیت

^۵. D.Greenaway & R.Kneller, ۲۰۰۷

^۶.Abdulnasser, Hatemi-J, ۲۰۰۱

متغیرهای مبنایی مثل بهره وری و رقابت پذیری وابسته است و متغیرهای قیمتی مانند نرخ ارز نمی توانند اثر بلندمدت و تعیین کننده بر روند صادرات غیر نفتی کشور داشته باشند.

سجادی (۱۳۷۹) پایان نامه کارشناسی ارشد خود را به بررسی توصیفی " اثر صادرات نفت بر صادرات غیر نفتی طی دوره ۷۷-۱۳۵۳" اختصاص داده است. در این پژوهش برخلاف اکثر کارهای تحقیقی از روش اقتصادسنجی استفاده نشده است. این مطالعه به بررسی تأثیر متغیر صادرات نفت بر صادرات غیر نفتی به صورت توصیفی پرداخته و برخی از متغیرهای اقتصاد کلان را به صورت نموداری و مقایسه ای مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد. وی با بررسی هایی که انجام می دهد برخلاف اکثر کارهای تحقیقی انجام شده نتیجه می گیرد که صادرات نفت بر صادرات غیر نفتی تأثیری ندارد.

رضا پاکدامن (۱۳۷۷) در مقاله خود با عنوان " عوامل حقوقی بازدارنده و محدودکننده صادرات ایران " به بیان و بررسی عوامل و موانع محدود کننده صادرات در ایران می پردازد. او در این مطالعه عوامل اقتصادی از قبیل رشد، توزیع درآمد، نرخ ارز، نرخ تورم؛ عوامل فنی و تکنولوژیکی؛ عوامل اجتماعی و فرهنگی مانند الگوی مصرف و رشد جمعیت؛ عوامل حقوقی و سیاسی از قبیل ثبات سیاسی و نظام حقوقی را در مدل وارد کرده است و سپس محقق به بررسی این عوامل پرداخته و به ارائه پیشنهادهایی در رابطه با بهبود وضعیت عوامل حقوقی مؤثر بر صادرات می پردازد.

در جدول (۱) به برخی دیگر از مطالعات انجام شده در این خصوص اشاره شده است.

جدول (۱): بیان برخی مطالعات تجربی در سالهای گذشته

ردیف	مشخصات پژوهشگر	عنوان تحقیق	روش مورد استفاده	متغیرهای موجود در مدل
۱	محسن خان (۱۹۷۴)	تقاضای صادرات و واردت در کشورهای در حال توسعه	اقتصادسنجی	قیمت داخلی، درآمد داخلی، قیمت جهانی و درآمد واقعی کشورهای جهان
۲	هاشم پسران (۱۹۸۴)	سیاست کلان در کشورهای صادرکننده نفت با کنترل ارز خارجی	اقتصادسنجی	قیمت داخلی کالاهای تولید شده، قیمت جهانی کالاهای، نرخ ارز
۳	احمد شهسپانی (۱۳۵۷)	الگوی اقتصادسنجی ایران	اقتصادسنجی	واردات کالاهای سرمایه ای و واسطه ای، رابطه مبادله
۴	نوفرستی و عرب مازار (۱۳۷۳)	یک الگوی اقتصادسنجی کلان برای اقتصاد ایران	اقتصادسنجی	تولید ناخالص داخلی، نرخ ارز آزاد و مصرف واقعی
۵	شرزه ای (۱۳۷۵)	بررسی روند صادرات غیر نفتی و شناخت عوامل مؤثر بر آن	اقتصادسنجی	رشد صادرات غیرنفتی، صادرات غیرنفتی، تولید ناخالص داخلی، مصرف داخلی، نرخ ارز واقعی، متغیر موهومی برای دوره جنگ، متغیر موهومی برای تحولات انقلاب

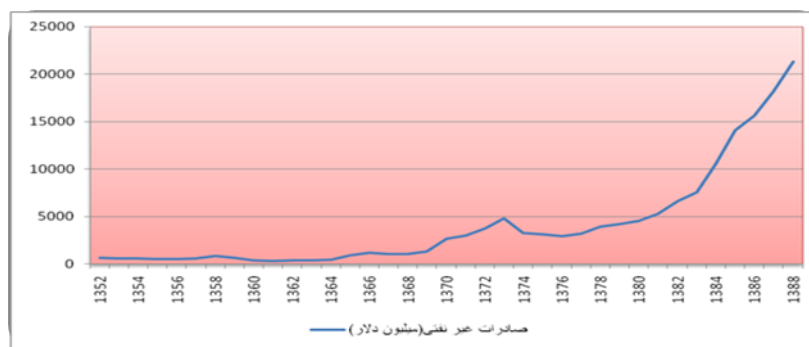
ارزش پول ملی، نرخ ارز، سیاستهای پولی و مالی	اقتصادسنجی	اثر درآمدهای نفتی بر صادرات غیر نفتی از کانال نرخ ارز	محمدرضا مقیمی (۱۳۷۵)	۶
شاخص قیمت کالاهای تولید و مصرف شده در جهان خارج، شاخص قیمت خارجی کالاهای صادراتی، شاخص قیمت داخلی کالاهای صادراتی، شاخص قیمت داخلی کالاهای غیرصادراتی، ارزش افزوده بخش کشاورزی و تولید ناخالص داخلی کشورهای خارجی	اقتصادسنجی	تأثیر نرخ ارز بر صادرات غیر نفتی و واردات ایران	هومن (۱۳۷۶)	۷
نرخ ارز آزاد، مجموع ارزش افزوده در بخش های کشاورزی، معدن، صنعت، حمل و نقل و ارتباطات و درجه بازبودن اقتصاد	اقتصادسنجی	عوامل تعیین کننده صادرات غیر نفتی در ایران با استفاده از روشهای همگرایی انگل - گرنجرو یوهانسن (۱۳۳۴-۱۳۳۸)	ولدخانی (۱۳۷۶)	۸
نرخ واقعی ارز، میزان واردات کشور طرف تجاری، شاخص قیمت خرده فروشی و عمده فروشی، نسبت تجارت کشور در جهان	اقتصادسنجی	سیاستهای تعدیل نرخ ارز و تأثیر آن بر صادرات غیر نفتی	ابراهیم هادیان (۱۳۷۷)	۷

به طور کلی می توان گفت نتایج مطالعاتی که متغیرهای غیر قیمتی در آنها به عنوان عامل مؤثر بر صادرات غیر نفتی در نظر گرفته شده است بر تأثیرگذاری این گونه عوامل تأکید داشته اند، از جمله این عوامل می توان به بهره وری نیروی کار، ضریب نفوذ اینترنت، تجارت الکترونیک، رقابت پذیری، تولید ناخالص داخلی و درجه باز بودن اقتصادی اشاره نمود که در مطالعات مرور شده وجود داشتند.

۳. تحلیل وضعیت صادرات غیر نفتی در ایران:

به منظور شناخت بهتر وضعیت صادرات غیر نفتی کشور و همچنین جایگاه عوامل غیرنفتی بر این وضعیت در این بخش تحلیل توصیفی، کمی در خصوص صادرات غیرنفتی خواهیم داشت. بررسی وضعیت صادرات غیر نفتی طی سالهای گذشته نشان می دهد با وجود فراز و نشیبهای اندک اما ارزش صادرات غیرنفتی طی نیم قرن گذشته همواره رو به رشد بوده است. این امر به خوبی در نمودار (۱) دیده می شود.

نمودار (۱): میزان صادرات غیر نفتی (دلار)



با این وجود بررسیها نشان می دهد برخی از تحولات و وقایع اقتصادی طی سالهای گذشته توانسته تأثیرات قابل توجهی بر روی میزان صادرات غیرنفتی کشور داشته باشد. برخی از این وقایع به عنوان میزان صادرات طی سالهای پس از پیروزی انقلاب در جدول شماره (۲) به صورت اجمالی آمده است.

جدول (۲): برخی وقایع مؤثر بر تغییرات صادرات غیر نفتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی

سال	میزان صادرات غیرنفتی (میلیون دلار)	برخی وقایع مؤثر بر تغییرات صادرات غیر نفتی
۱۳۵۸	۸۱۲	ملغی ساختن معافیت قبلی صادرکنندگان از سپردن پیمان ارزی، برقراری سیستم دو نرخ ارز.
۱۳۶۱	۳۴۰	نقصان تولیدات داخلی ناشی از رکود در بخش های اقتصادی، ترقی قابل ملاحظه قیمت کالاهای صادراتی و از دست دادن برخی از بازارهای صادراتی.
۱۳۶۳	۳۶۱	برقراری جایزه ریالی جهت تشویق صادرات، واریز پیمان های ارزی موجود و یا صدور کالاهای جدید، تشویق ریالی به منظور جبران ضرر صادرکنندهو تسری دادن واردات در مقابل صادرات که قبلاً منحصرأ به بخش خصوصی تعلق داشت.
۱۳۶۷	۱۰۳۶	کاهش قیمت نفت بهمیزان قابل توجه، اعطای تخفیفات ارزی، تنزیل نرخ واریزنامه و نوسانات شدید نرخ ارز در بازار آزاد پس از پذیرش قطعنامه.
۱۳۷۰	۲۶۴۹	معافیت یا تخفیف پیمان ارزی در مورد برخی از اقلام صادراتی، خرید ارزهای صادراتی به نرخ شناور، کاهش نوسانات نرخ ارز در بازار آزاد.
۱۳۷۳	۴۸۳۱	افزایش شدید صادرات فرش، اخذ پیمان ارزی بابت صدور کالاهای غیر نفتی لغو شد. صندوق تضمین صادرات کشور فعال شد و منابع پیش بینی شده در اختیار صندوق مذکور برای تشویق و توسعه صادرات قرار گرفت.
۱۳۷۵	۳۱۲۰	کاهش اخذ پیمان ارزی و الزام صادرکنندگان به برگرداندن ارز حاصل از صادرات، موظف شدن صادرکنندگان به واریز صددرصد ارز مندرج در تعهد نامه به بانک مرکزی
۱۳۷۸	۳۹۴۱	دامنه شمول مجوز ورود وقت کالا افزایش یافت، نرخ های پایه اخذ پیمان در مورد بسیاری از کالاهای صادراتی کاهش یافت.
۱۳۸۰	۴۵۶۵	معافیت صادرات کالا و خدمات از اخذ هر گونه مجوز، پشتیبانی از صدور خدمات فنی و مهندسی و افزایش سرمایه بانک توسعه صادرات
۱۳۸۳ به بعد	۱۳۸۳-۷۵۳۶ ۱۳۸۴-۱۰۵۴۵ ۱۳۸۵-۱۴۰۴۴ ۱۳۸۶-۱۵۶۳۷ ۱۳۸۷-۱۸۱۴۶ ۱۳۸۸-۲۱۳۲۴	آزادسازی صدور کلیه کالاها به جز عتیقه، ذخایر ژنتیک و کالاهای یارانه ای، تقویت توان رقابت محصولات صادراتی، اجرای پروژه شناسایی بخش های استراتژیک تجاری و تنظیم معیارهای فنی و مناسب به منظور هدفمندکردن سیاستهای حمایتی در بخش صادرات، کاهش هزینه های عملیاتی تجارت خارجی از طریق کاهش پیش پرداخت اعتبارات اسنادی و کاهش هزینه های بیمه ای صادرات، گسترش خدمات بیمه صادراتی از طریق ایجاد پوشش های بیمه ای و ضمانت های لازم در زمینه بازاریابی، تبلیغات، حمل و نقل و یافتن بازارهای جدید و ایجاد و توزیع زیرساخت های صادراتی جدید با مشارکت بخش خصوصی.

بررسی عوامل مؤثر بر صادرات غیرنفتی از سال ۸۳ به بعد مبین این موضوع می باشد که با وجود تغییرات اندک نرخ ارز اما صادرات غیر نفتی این دوره به صورت شتابان افزایش یافته است. بررسیها نشان می دهد که صادرات کالاهای غیر نفتی در سال ۱۳۸۴ در مقایسه به سال قبل از لحاظ مقدار و ارزش به ترتیب با ۳۸ و ۴۰ درصد افزایش به ۱۸۰۷۷ هزار تن با ارزش ۱۰۵۴۵ میلیون دلار رسید. اجرای سیاستهای آزادسازی و شفاف سازی در امر صادرات غیر نفتی طی برنامه سوم و تداوم آن طی برنامه چهارم، همچنین تعدیل مقررات و ضوابط بازرگانی خارجی و ارائه تسهیلات و مشوق های گوناگون بر فعالان این بخش از مهمترین دلایل این رشد بیان شده است. در سال ۱۳۸۵ نیز در مقایسه با سال ۱۳۸۴ صادرات غیر نفتی با ۳۳ درصد افزایش به ۱۴۰۴۴ میلیون دلار رسید. در این سال نیز سیاستهای حمایتی و اجرایی از قبیل:

- افزایش سرمایه صندوق ضمانت ایران
 - ایجاد ساماندهی یارانه ها و جوایز صادراتی
 - اجرای پروژه شناسایی بخش های استراتژیک تجاری و تنظیم معیارهای فنی و مناسب به منظور هدفمند کردن سیاستهای حمایتی در بخش صادرات
 - تداوم سیاست معافیت صادرات از مالیات و عوارض در راستای کاهش قیمت تمام شده صادرات
 - ایجاد و توزیع زیرساختهای صادراتی جدید با مشارکت بخش خصوصی و تعاونی
 - ...
- توانست که به میزان قابل توجهی صادرات غیرنفتی را افزایش دهد.

در سالهای ۱۳۸۶ الی ۱۳۸۸ نیز سیاستهای تشویقی و حمایتی بر روند رو به رشد صادرات غیرنفتی مؤثر بوده است به گونه ای که این نوع صادرات هم از لحاظ مقدار و هم از لحاظ ارزش روند رو به رشدی داشته است. براساس آمار منتشرشده از سوی بانک مرکزی که ارزش صادرات غیر نفتی در این سالها نسبت به سال قبل خود ۱۱ و ۱۶ و ۱۷ درصد رشد نشان می دهد. همچنین بررسی میزان صادرات غیر نفتی نه ماه سال ۱۳۸۹ نسبت به نه ماهه سال ماقبل از آن ، رشد قابل توجهی را نشان می دهد.

البته در این جا باید اشاره داشت همانطور که در نمودار(۱) نیز مشاهده می شود در سالهای اخیر صادرات غیر نفتی رشد قابل توجهی داشته است که دو دلیل را می توان علت این مهم دانست:

- (۱) تکمیل پروژهها و عملیاتی شدن سرمایه گذاری ها در زمینه نفت و گاز
 - (۲) افزایش قیمت نفت و در نتیجه افزایش ارزش کالاهای صادراتی کشور از جمله محصولات پتروشیمی و زیر مجموعه نفت^۷
- در جمع بندی ان بخش می توان بیان داشت، بررسی روند تغییرات صادرات غیرنفتی در طی سالهای گذشته نشان می دهد که اولاً صادرات غیر نفتی ما در این دوره ها در یک دامنه محدودی حرکت کرده است گویی گرفتارشدن صادرات در یک باریکه محدود صرف نظر از اینکه نرخ ارز چقدر باشد به مشکلات و موانع مبنایی مرتبط است و شتاب گرفتن آن در گرو عواملی غیر از آنچه که تجربه شده است، می باشد و متغیرهای قیمتی نتوانسته تأثیر قابل ملاحظه ای بر روی آن داشته باشند. بنابراین طبیعی است که برای رفع مشکل صادرات باید موانع مبنایی که در بخش حقیقی اقتصاد قرار دارد را مورد شناسایی و بررسی قرار داد. نکات ضمنی دیگری که برداشت می شود این است که سالهایی که

^۷ لازم به ذکر است که اگر فرآوردهای نفتی مانند تولیدات شرکتهای پتروشیمی را به عنوان صادرات نفتی در نظر بگیریم در آن صورت میزان صادرات غیر نفتی به شدت کاهش خواهد یافت به طوریکه بر اساس آمارهای منتشر شده بانک مرکزی بر این مبنا صادرات غیر نفتی سال ۱۳۸۸ ، ۱۷۷۰۹ میلیون دلار خواهد بود که با رقم ۲۱۳۲۴ میلیون دلار، اختلاف ۳۶۰۰ میلیون دلاری را نشان می دهد.

اقتصاد دارای ثبات بوده و فضا برای انجام فعالیتهای اقتصادی مهیا بوده، رشد صادرات بسیار قابل ملاحظه بوده و سالهایی که اقتصاد با بی ثباتی مواجه بوده است، رشد صادرات محدود گردیده است. همچنین بررسی عوامل مؤثر بر صادرات غیرنفتی در هر سال نشان می دهد که عوامل غیرقیمتی مانند برقراری یا حذف پیمان سپاری ارزی، وجود امتیاز واردات در مقابل صادرات، اجرای سیاست تولید برای صادرات و ... تأثیر قابل ملاحظه ای در روند تغییرات صادرات غیرنفتی داشته اند، که این موارد ضرورت پرداختن به متغیرهایی غیر از آنچه که تاکنون به عنوان عوامل تأثیرگذار بر صادرات غیرنفتی در نظر گرفته می شدند را گوشزد می کند.

۴. توصیف مدل صادرات غیرنفتی:

همانگونه که در بخش مطالعات صورت پذیرفته اشاره شد، طیف وسیعی از عوامل به عنوان عوامل مؤثر بر رشد صادرات معرفی شده اند، در یک سر این طیف بر نقش مؤثر و قابل ملاحظه و حتی مطلق عوامل قیمتی مانند نرخ ارز، سیاستهای ارزی، سیاستهای پولی و قیمت ها تأکید می شود، در این نظریه اساساً جایی برای برنامه ریزی، سیاست گذاری در جهت بهبود کیفیت، ارتقاء بهره وری و رقابت پذیری، بهبود وضعیت کسب و کار و تحکیم مبانی و عوامل طرف عرضه اقتصاد در نظر گرفته نمی شود. راه کار محوری این نظریه برای ارتقاء صادرات غیرنفتی و شتاب دادن به آن ، سیاست ارزی تضعیف ارزش پول ملی^۱ است .

در سر دیگر طیف بر اهمیت بسیار زیاد عوامل غیرقیمتی نظیر بهره وری ، رقابت پذیری ، سازمان مدیریت کار و تولید ، فضای کسب و کار ، درجه باز بودن اقتصاد و عنصر کیفیت تأکید می گردد و نقشی برای عوامل قیمتی مثل تورم و نرخ ارز قائل نیست، در حقیقت این دیدگاه به نقش مفید و مثبت قیمت ها در جایگاه صحیح خود اهمیت کافی نمی دهد و به فرصت استفاده از این ابزار کارآمد توجهی ندارد.

در میان دو طیف فوق نیز نظریات زیادی ارائه شده است که با توجه به فاصله بین آن ها، عوامل قیمتی و غیرقیمتی را با وزن ها و ضرایب اهمیت متفاوت مورد تأکید و توجه قرار می دهند.

با توجه به مطالب فوق در این بخش سعی شده است مدلی برای صادرات غیرنفتی ارائه شود که عوامل قیمتی و غیرقیمتی را همزمان مورد بررسی قرار دهد.

۴-۱) معرفی متغیرها و مدل صادرات غیرنفتی:

همانگونه که اشاره گردید در کشورهای که ساختار تولیدی ضعیف است، مفاهیمی چون کیفیت، دانش فنی، نوآوری، بهره وری، درجه باز بودن اقتصاد و رقابت پذیری در آنها نهادینه نشده است . در این اقتصادها توجه صرف به متغیرهای قیمتی در طراحی و توصیف بسیاری از روابط از جمله رابطه صادرات غیرنفتی چندان مفید نخواهد بود. تجربه کشورما در سال های گذشته در مورد صادرات غیرنفتی مبین این امر است که با وجود تغییرات مکرر نرخ ارز در دوره های مختلف، موفقیت چندان در جهت ارتقاء صادرات غیرنفتی و شتاب دادن به آن بدست نیامده و برعکس دوره هایی مشاهده می شود که تغییرات نرخ ارز بسیار محدود بوده ولی صادرات غیرنفتی بشدت تغییر کرده است.

^۱. devaluation

بر این اساس به نظر می رسد در نظر گرفتن بعضی متغیرهای حقیقی مبنایی مثل بهره وری و درجه باز بودن اقتصاد که به انعطاف پذیری فنی و تکنولوژیکی و همچنین دستیابی به کیفیت های بالاتر و قیمت های پایین تر کمک می کند، در توصیف چنین رابطه تابعی لازم و ضروری است. براین اساس در این بخش ضمن تبیین متغیرهای مدل به توصیف مدل می پردازیم.

۴-۱-۱) بهره‌وری:

بهره وری در مفهوم کلی به معنای نسبت ستاده ها به داده هاست. به بیان دیگر بهره وری به معنی متوسط تولید به ازای هر واحد از کل نهاده هاست، بطوریکه اگر متوسط تولید به ازای هر واحد از نهاده ها افزایش یابد، به مفهوم افزایش بهره‌وری و عکس آن به معنای کاهش بهره‌وری می باشد. با توجه به نوع نهاده‌ای که در فرآیند تولید به کار می‌رود می‌توان انواع شاخص‌های بهره‌وری از قبیل بهره وری نیروی کار و بهره وری سرمایه را تعریف کرد.

در این مطالعه از شاخص بهره وری کل عوامل (نیروی کار و سرمایه به صورت توأم) که بیانگر برآیند تحولات بهره‌وری نیروی کار و سرمایه است، استفاده شده است.^۹

۴-۱-۲) درجه باز بودن اقتصادی:

یکی از مؤثرترین عوامل برای ایجاد و افزایش رقابت پذیری و انگیزه وجود بازارهای رقابتی است؛ که اغلب این مفهوم با استفاده از شاخصها و مفاهیم درجه باز بودن اقتصادی و مناسب بودن فضای کسب و کار تبیین می گردد. براین اساس در این مطالعه شاخص انتخاب شده برای درجه باز بودن اقتصاد به صورت زیر تعریف گردید^{۱۰}:

$$OPEN = \frac{\text{صادرات غیر نفتی} + \text{واردات}}{GDP}$$

۴-۱-۳) تولید ناخالص داخلی:

متغیر تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخصی برای تبیین ظرفیت تولیدی یک کشور به کار می رود. از آنجایی که افزایش در ظرفیت تولیدی کشور سبب رشد تولید در زیربخشهای مختلف از قبیل بخش‌های صادراتی می‌گردد، بنابراین می توان انتظار داشت افزایش تولید علاوه بر تأمین تقاضای داخلی، سبب افزایش عرضه صادرات گردد. بر این اساس و با توجه به مطالعه عبدالناصر حاتمی (۲۰۰۱) این متغیر وارد مدل شده است.

۴-۱-۴) نرخ ارز حقیقی:

متغیر در نظر گرفته شده در این مدل برای عوامل قیمتی، نرخ ارز حقیقی است. این متغیر به نوعی هم تأثیرات نرخ ارز صادراتی و هم اثر تغییرات تورم را نشان می دهد. به طور معمول نرخ ارز حقیقی به صورت زیر است:

۹. در این مطالعه با بهره گیری از روش شاخص عددی و نتایج مطالعه ابوالفضل خاوری ۱۳۸۵ و پروین ولی زاده زنوز ۱۳۸۸ شاخص بهره وری کل عوامل تولید برای بازه مورد نظر بدست آمده است.

۱۰. دکتر هوشنگ شجری و دیگران، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، بهار ۱۳۸۵

$$RER = \frac{P_f \times E}{P_d}$$

که در آن RER نرخ ارز حقیقی، P_f قیمت جهانی برحسب واحد پول خارجی، E نرخ ارز اسمی و P_d شاخص قیمت‌های داخلی می باشد. اما برای در نظر گرفتن بهترین نوع نرخ ارز (به این دلیل که در سال های مختلف نرخ ارزهای متفاوتی برای صادرات استفاده شده است و پیدا کردن یک نرخ واحد برای آن دشوار میباشد)، نزدیکترین شاخص به رابطه فوق که به صورت زیر تعریف می‌شود، را مورد استفاده قرار داده‌ایم:

$$RER = \frac{P_x}{P_d}$$

که در آن RER نرخ ارز حقیقی، P_x شاخص قیمت کالاهای صادراتی و P_d شاخص قیمت کالاهای تولید و مصرف شده در کشور می باشد. **(۲-۴) معرفی مدل صادرات غیر نفتی:**

همانگونه که اشاره شد ما در این مطالعه به دنبال بررسی هر دو نوع عامل قیمتی و غیرقیمتی مؤثر بر صادرات غیرنفتی می باشیم. براین اساس مدل ذیل که تلفیقی از مدل دیوید گرینوی و ریچارد نلر (۲۰۰۴) و عبدالناصر حاتمی (۲۰۰۱) است را مورد برآورد قرار خواهیم داد:

$$X_{no} = f(EX, TFP, GDP, OPEN, D)$$

که در آن X_{no} ارزش صادرات غیرنفتی، EX نرخ ارز حقیقی، TFP بهره وری کل، GDP تولید ناخالص داخلی، $OPEN$ سنجۀ درجه باز بودن و D متغیر مجازی مربوط به تأثیرات متغیرهای غیرقیمتی است.

(۳-۴) برآورد مدل صادرات غیرنفتی:

همان طور که در قسمت قبل آمده است، در مدل این مقاله یک متغیر قیمتی نرخ ارز حقیقی و سه متغیر مبنایی بهره وری کل، رقابت پذیری و تولید ناخالص ملی و همچنین متغیر مجازی مربوط به تأثیرات متغیرهای غیرقیمتی را به عنوان عوامل مؤثر بر صادرات غیرنفتی در نظر گرفته ایم. (البته قابل ذکر است که این متغیرها -غیر از متغیر مجازی- به صورت لگاریتمی وارد مدل شده اند).

در این مقاله به منظور تخمین مدل از روش $ARDL$ و از نرم افزار ماکروفیت ۴.۱ استفاده شده است. مزیت بسیار مهم روش $ARDL$ در بین روش‌های هم‌انباشتگی این است که تخمینهای این روش در نمونه های کوچک از کارایی بالاتری برخوردار است. همچنین این روش تنها یک بردار هم‌جمع کننده را مشخص می‌کند. (بعبارتی در این روش نیازی به تقسیم متغیرها به متغیرهای همبسته از درجه یک و صفر نیست). از سویی دیگر در این روش می‌توان تحلیل‌های اقتصادی را در دو دوره کوتاه مدت و بلندمدت انجام داد.

در ابتدا باید متذکر شد حداکثر وقفه بهینه مدل با معیار شوارتز - بیزین انتخاب شده، که در اینجا تعداد وقفه های بهینه معادل دو سال در نظر گرفته شده است. (در روش $ARDL$ متغیرهایی که در واقعیت باوقفه عمل می کنند، به طور خودکار در برآورد مدل مشخص می شوند). موضوع دیگری که در این روش برآورد وجود دارد این است که باید بعد از برآورد شدن مدل، آزمون همگرایی انجام داد تا مشخص شود که معادله برآورد شده به سمت همگرایی میان متغیرها تمایل دارد یا نه، برای این منظور در این مطالعه آماره بنرجی را محاسبه می گردد که به صورت ذیل تعریف می گردد.

$$\frac{\sum_{i=1}^n \alpha_i - 1}{\sum_{i=1}^n s_i}$$

در این آماره α_i ها ضرایب متغیرهای با وقفه مربوط به متغیر وابسته و S_i ها انحراف معیار این ضرایب می باشند.

برای نتیجه گیری باید مقدار محاسبه شده در این آماره را با مقدار بحرانی متناظر با آن که توسط بنرجی و دیگران ارائه شده است، مقایسه نمود، که اگر قدر مطلق آماره محاسبه شده از مقدار بحرانی فوق بیشتر باشد وجود رابطه همگرایی تأیید می شود، در غیر این صورت این رابطه تأیید نمی شود.

نتایج حاصل از برآورد مدل در جدول (۳) ارائه شده است .

جدول ۳: نتایج حاصل از برآورد

نامتغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	Prob
LXno(-۱)	۰.۵۲	۰.۰۶۹	۷.۴۸	۰.۰۰۰
LEX	۰.۰۶	۰.۱۰۶	۰.۶۲	۰.۵۴۱
LTFP	۷.۰۹	۱.۷۸۹	۳.۹۶	۰.۰۰۱
LTFP(-۱)	۳.۶۴	۲.۴۸۳	۱.۴۶	۰.۱۵۷
LTFP(-۲)	-۷.۱۰	۱.۵۹۴	-۴.۴۵	۰.۰۰۰
LOPEN	۰.۳۲	۰.۱۱۲	۲.۸۸	۰.۰۰۹
LGDP	-۴.۹۳	۱.۴۶۲	-۳.۳۷	۰.۰۰۳
LGDP(-۱)	-۱.۲۵	۲.۲۹۶	-۰.۵۴	۰.۵۹۱
LGDP(-۲)	۷.۷۰	۱.۷۷۳	۴.۳۴	۰.۰۰۰
C	-۲۴.۹۸	۳.۳۶۹	-۷.۴۱	۰.۰۰۰
D	۰.۱۲	۰.۰۳۳	۳.۷۷	۰.۰۰۱
$R^2 = 0.993$ $\overline{R}^2 = 0.990$ DW = ۲.۰۵				

همان طور که در جدول فوق مشاهده می شود متغیر وابسته تنها با یک وقفه در مدل برآورد شده ظاهر گردیده است، لذا آماره مربوط به آزمون بنرجی به صورت زیر محاسبه می شود :

$$\frac{\sum_{i=1}^n \alpha_i - 1}{\sum_{i=1}^n S_i} = \frac{0.52 - 1}{0.069} = -6.88$$

با توجه به اینکه مقدار بحرانی بنرجی و همکاران برای سطح اطمینان ۰.۹۵ برابر با ۴.۱۸- است، بنابراین با مقایسه آماره محاسبه شده با این مقدار بحرانی، عدم وجود رگرسیون کاذب در بلند مدت را تأیید می نماید.

برآورد نتایج آزمون های مربوط به خودهمبستگی، نرمال بودن، شکل تابعی مناسب و واریانس همسانی که جزئیات آنها در زیر آورده شده است، همگی حاکی از خوبی برازش و توصیف مدل دارند.

Diagnostic Tests

*Test Statistics * LM Version * F Version

*A:Serial Correlation*CHSQ(۱)= ۳.۲۴۱۸[.۰۷۲]*F(۱، ۲۰)= ۲.۲۵۴۵[.۱۴۹[

* * *

*B:Functional Form *CHSQ(۱)= .۲۶۷۲۵[.۶۰۵]*F(۱، ۲۰)= .۱۶۸۴۴[.۶۸۶[

* * *

*C:Normality *CHSQ(۲)= ۴.۰۲۹۹[.۱۳۳]* Not applicable

* * *

*D:Heteroscedasticity*CHSQ(۱)= .۱۷۳۸۷[.۶۷۷]*F(۱، ۳۰)= .۱۶۳۸۹[.۶۸۸[

نتایج برآورد ضرایب بلندمدت مدل نیز در جدول (۴) آورده شده است.

جدول (۴): نتایج حاصل از برآورد

نامتغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	Prob
LEX	۰.۱۳	۰.۲۱۲	۰.۶۵	۰.۵۲۳
LTFP	۷.۵۶	۱.۴۵۲	۵.۲۰	۰.۰۰۰
LOPEN	۰.۶۷	۰.۲۲۷	۲.۹۷	۰.۰۰۷
LGDP	۳.۱۵	۰.۲۵۴	۱۲.۴۱	۰.۰۰۰
C	-۵۲.۱۲	۴.۳۸۰	-۱۱.۸۹	۰.۰۰۰

D	۰.۲۶	۰.۰۸۸	۲.۹۵	۰.۰۰۸
---	------	-------	------	-------

همان طور که در جدول فوق مشاهده می شود، تمامی ضرایب به جز نرخ ارز با معنی و علامت آنها مطابق با مبانی نظری می باشد. اما ضریب متغیر نرخ ارز بی معنی شده است که با توجه به مطالب گفته شده و نتیجه بررسی روند تغییرات این متغیر در کنار صادرات غیرنفتی در سال های اخیر، وجود عوامل تأثیرگذار بر صادرات غیرنفتی غیر از متغیر نرخ ارز و تأثیر اندک نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی را تأیید می کند. در خصوص متغیرهای بهره وری کل، تولید ناخالص داخلی و درجه باز بودن اقتصاد هم ضرایب همگی مثبت و معنی دار هستند اما نکته قابل توجه ضریب بزرگ متغیر بهره وری است، که حاکی از تأثیر قابل ملاحظه این متغیر بر صادرات غیرنفتی می باشد.

نتیجه برآوردهای مدل تصحیح خطا^{۱۱} وجود رابطه بلندمدت را تأیید می کند که در آن ضریب مربوط به جزء تصحیح خطا برابر ۰.۴۷- و معنی دار می باشد که این عدد هم منفی و هم قدرمطلق آن کوچکتر از یک است، جزئیات مربوط به این برآورد در پیوست آورده شده است.

۴-۴) تفسیر نتایج:

با توجه به برآوردهای بدست آمده در این بخش به تفسیر ضرایب می پردازیم:

- با توجه به شرایط فعلی بخش تولید کشور و نهادینه نشدن شرایط مبنایی تولید، می توان بی معنی شدن ضریب متغیر مربوط به نرخ ارز را طبیعی تلقی کرد، البته در صورت پیشرفت شرایط رسیدن به سطح کشورهای توسعه یافته، در ایران هم می توان انتظار تأثیرگذار بودن این متغیر را داشت.

- ضریب برآورد شده برای بهره وری کل عوامل تولید ۷.۵۶ می باشد، که این به معنای افزایش ۷.۵۶ درصدی صادرات غیرنفتی در صورت افزایش یک درصدی در بهره وری کل عوامل تولید است.

- در خصوص متغیر درجه باز بودن اقتصاد، ضریب بدست آمده بدان معنی است که اگر به میزان یک درصد روابط تجاری کشور با خارج بهبود یابد آنگاه صادرات غیرنفتی به میزان ۰.۶۷ درصد افزایش می یابد.

- ضریب بدست آمده برای تولید ناخالص داخلی نیز نشاندهنده تأثیر قابل ملاحظه این متغیر بر صادرات غیرنفتی است به نحوی که اگر این متغیر یک درصد افزایش یابد، صادرات غیرنفتی افزایشی معادل ۳.۱۵ درصد را تجربه خواهد نمود.

- با توجه به ضرایب تخمین زده شده در این مقاله می توان گفت مهم ترین متغیری که در رشد صادرات غیرنفتی در کشور ما تأثیر دارد، بهره وری کل عوامل تولید است.

همچنین با توجه به ضرایب بلندمدت تخمین زده شده می توان نتایج زیر را استخراج نمود:

- متغیر بهره وری کل عوامل تولید به طور مثبت و معنی داری صادرات غیرنفتی را تحت تأثیر قرار داده است.

- نتایج حاکی از اثر مثبت و معنی دار شاخص در نظر گرفته شده برای درجه باز بودن اقتصاد بر صادرات غیرنفتی می باشد.

- نتیجه به دست آمده برای ضریب نرخ ارز مخالف با فرضیه در نظر گرفته شده برای آن است (بی معنی است)، اما این نتیجه مطابق با نتایج بررسی توصیفی روند تغییرات صادرات غیرنفتی در مقابل نرخ ارز است.
- در خصوص اثرگذاری نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی باید به این نکته اشاره نمود که این اثر نیازمند وجود زیرساخت مناسب و نهادینه شدن متغیرهای مبنایی اقتصاد می باشد، لیکن در حال حاضر با توجه به وجود تنگناهای زیاد در این عرصه، نمی توان اثر قابل توجهی برای نرخ ارز متصور بود.
- شتاب صادرات غیرنفتی به طور اساسی به وضعیت متغیرهای مبنایی مثل بهره وری و درجه بازی اقتصاد (رقابت پذیری) وابسته است و متغیرهای قیمتی مانند نرخ ارز نمی توانند اثر بلندمدت و تعیین کننده ای بر روند صادرات غیرنفتی داشته باشند.

پیشنهادات:

- با توجه به نتایج و برآوردهای بدست آمده، توصیه می گردد:
- با توجه به نتیجه بدست آمده برای صادرات غیرنفتی توصیه می گردد که سیاست گذاران اقتصادی برای بهبود سطح صادرات غیرنفتی سیاست هایی غیر از سیاست افزایش نرخ ارز را مورد استفاده قرار دهند.
- با توجه به ضریب برآورد شده برای بهره وری و تأیید تأثیر چشمگیر این متغیر بر صادرات غیرنفتی پیشنهاد می گردد، دستگاه های اجرایی ذی ربط از جمله سازمان توسعه تجارت، از طریق اعطای جوایز و تخصیص یارانه به بخش های با بهره وری بالا اهمیت ویژه ای به بهبود بهره وری در تولیدات صادراتی کشور داشته باشند.
- نتایج بدست آمده در خصوص درجه باز بودن اقتصاد که یکی از عوامل ایجاد رقابت پذیری می باشد توصیه می گردد سیاست گذاران کلان کشور به این نکته توجه داشته باشند که بستن درب های کشور و ایجاد موانع لزوماً نمی تواند به بهبود تولیدات داخلی منجر گردد و بهتر است که سیاست ایجاد موانع موقتی و هدفمند باشد تا تولید کنندگان داخلی مجبور به بالا بردن کیفیت و رساندن سطح کیفی تولیدات خود به سطح رقابتی با کالاهای مشابه شوند.

۱. اخوی، احمد، «مطالعه ای در نظریه ها، کاربردها و تجربه های تجارت بین الملل، استراتژی بازرگانی و توسعه اقتصادی»، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، سال ۱۳۷۳.
۲. اکبری، محمد (۱۳۸۵)، «نااطمینانی حاصل از نوسانات نرخ ارز و اثر آن بر صادرات غیرنفتی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۳. بانک مرکزی ایران، حسابهای ملی ایران، سال های مختلف.
۴. بانک مرکزی ایران، گزارش اقتصادی و تراز نامه، سالهای مختلف.
۵. پاکدامن، رضا (۱۳۷۷)، «عوامل حقوقی بازدارنده و محدودکننده صادرات ایران»، مجموعه مقالات اولین همایش سیاست های بازرگانی و تجارت بین الملل، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، صفحه ۱۶۵-۱۴۵.
۶. تقوی، مهدی، «تجارت بین الملل»، نشر پیشبرد، سال ۱۳۶۶.
۷. توتونچی ملکی، سعید(۱۳۸۵)، «اثر نوسانات نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی (تورم، تولیدکل با تأکید بر صادرات غیرنفتی)»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی
۸. خاوری نژاد، ابوالفضل، «شاخص های بهره وری اقتصاد ایران»، فصلنامه حساب های اقتصادی ایران، شماره ۱، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵.
۹. راهنمای اندازه گیری شاخص های بهره وری نیروی کار و سرمایه و بهره وری کل عوامل در بخش ها و زیر بخش های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور، سازمان ملی بهره وری ایران، (۱۳۸۳)، تهران.
۱۰. سالواتوره، دومینیک، «تجارت بین الملل»، ترجمه حمید رضا ارباب، نشر نی، سال ۱۳۷۶.
۱۱. سجادی تفرشی، سید علی (۱۳۷۹)، «اثر صادرات نفت بر صادرات غیرنفتی طی دوره ۷۷-۱۳۵۳»، پایان نامه کارشناسی ارشد، مرکز علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد.
۱۲. شاکری، عباس (۱۳۸۳)، «عوامل تعیین کننده صادرات غیرنفتی ایران»، پژوهشنامه بازرگانی، ۱۳۸۳.
۱۳. شجری، هوشنگ و دیگران، «عبور نرخ ارز و رابطه آن با سیاست های پولی و در جه باز بودن اقتصاد در ایران به روش سیستم های فازی عصبی»، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۲۶، بهار ۱۳۸۵، ۱۷۹-۱۵۳.
۱۴. شریزه ای، غلامعلی (۱۳۷۵). بررسی روند صادرات غیر نفتی و شناخت عوامل مؤثر بر آن. دومین سمینار صادرات غیر نفتی کشور.
۱۵. شهشهانی، احمد. (۱۳۵۷). الگوی اقتصاد سنجی ایران. تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. کاتوزیان، محمد علی، «نظریه اقتصاد بین الملل»، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
۱۷. کرمی، مریم (۱۳۸۷)، «بررسی اثر تجارت الکترونیکی بر صادرات غیرنفتی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۸. نادری، ابوالقاسم، «مزیت نسبی و توسعه صادرات در ایران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی»، آبان ۱۳۷۱.
۱۹. نوفرستی، محمد و عباس عرب مازار(۱۳۷۳)، «یک الگوی اقتصاد سنجی کلان برای اقتصاد ایران»، فصل نامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، شماره ۱.
۲۰. نوفرستی، محمد، «ریشه واحد و همجمعی در اقتصاد سنجی»، انتشارات رسا، تهران، ۱۳۷۸.

۲۱. ولد خانی، عباس (۱۳۷۶)، «عوامل تعیین کننده صادرات غیر نفتی در ایران با استفاده از روش های همگرایی انگل - گرنجر و یوهانسن (۱۳۷۴-۱۳۳۸)»، مجله برنامه و بودجه، سال دوم، شماره ۲۲ و ۲۳.
۲۲. ولی زاده زنونز، پروین (۱۳۸۴)، «بررسی بهره وری در اقتصاد ایران»، بانک مرکزی ایران، مجموعه پژوهش های بازرگانی، شماره ۲۴.
۲۳. ولی زاده زنونز، پروین (۱۳۸۸)، «بهر هوری نیروی کار، سرمایه و کل عوامل تولید»، بانک مرکزی ایران، مجموعه پژوهش های بازرگانی، شماره ۴۰.
۲۴. هادیان، ابراهیم؛ طاهری، احسان (۱۳۷۷)، سیاستهای تعدیل نرخ ارز و تأثیر آن بر صادرات غیر نفتی. پنجمین همایش صادرات غیر نفتی کشور: تبریز: اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز.
۲۵. هومن، تقی (۱۳۷۶)، «تأثیر نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی و واردات ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۲۶. مقیمی، محمدرضا (۱۳۷۶)، اثر درآمدهای نفتی بر صادرات غیر نفتی از کانال نرخ ارز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.
۲۷. C. Brooks. 'introductory econometrics for finance. Cambridge university press, ۲۰۰۲, ۱۷۰ - ۱۹۰.
۲۸. Frankel jacob and Harry Johnson. 'The Monetary Approach to Bop' London : Alen and Unwin ۱۹۷۶.
۲۹. G.Haberler. 'Comparative advantage. Agricultural production and International Trade'. The International journal of Agrarian Affairs. may ۱۹۶۴.
۳۰. Greenaway, D. and R. Kneller (۲۰۰۴), 'Exporting, Productivity and Agglomeration: A Difference in Difference Analysis of Matched Firms', University of Nottingham. GEP Research Paper ۰۳/۴۵.
۳۱. Hatemi.j, Abdolnasser, (۲۰۰۱), 'Productivity performance and export performance: A time-series pererspective' Eastern Economic journal, ۲۷, ۲, ۱۴۹-۱۶۴.
۳۲. Khan, Mohsen (۱۹۷۴), 'Import and export demand in developing countries', I.M.F., Staff papers. vol ۱۱, no ۳.
۳۳. Mac Bean. 'Export Instability and Economic Development' (Cambridge mass : Harvard University press, ۱۹۶۶.
۳۴. Pesaran.M.H. (۱۹۸۴). Macroeconomic Policy in an Oil-Exporting Economy with Foreign Exchange Controls. Economica, Vol.۵۱, PP:۲۵۳-۲۷۰.

۳۵. Wagner,j. (۲۰۰۷)، 'Export and productivity: A survey of the evidence from Firm level data', The world Economy، ۳۰، ۱، ۶۰-۸۹.

۳۶. www.cbi.ir

۳۷. www.tpo.ir

Investigation of effective factors on non-oil exports with emphasis on non-price variables

Dr.Farhad Dejpasand^{۱۶}

Meysam Amiry^{۱۷}

Benyamin Saveh^{۱۸}

Abstract:

One of the ways for encouraging economic development in oil exporting countries like Iran (which is known as an oil-dependent economy) is moving toward diversification of export revenues rapidly by increasing non-oil exports. This goal is not accessible without a comprehensive survey and examination of factors that affects non-oil exports condition.

Although, in many developed countries, export and import analysis is performed in framework of relevant price variables (Also in our country most of the surveys have not gone beyond this framework).But it seems that institutional, scientific, technological and management factors have much greater effect on export variables in Iran in comparison to other countries. Hence, in this article we have tried to go beyond previous studies by adding real and non-price factors to quantitative model of non-oil export in order to estimate their impacts.In order to do this, we have considered non-oil exports to be a function of real exchange rate, total factor productivity, gross national product and the degree of openness of the economy. In addition, we have used ARDL for estimating the model and investigating the effects of each of these factors on non-oil export during ۱۹۷۵-۲۰۰۷.

Finding of this paper shows that non-oil export is significantly and effectively, dependant on non-price variables. The results of our estimation show that productivity, degree of economic openness and GDP have positive effects on non-oil export. Albeit according to basic problems in production and export and according to our estimations, we claim that exchange rate does not have a significant impact on non-oil export.

Keywords: Non-Oil Exports, Real Exchange Rate, Total factor productivity, Economic openness, ARDL

JEL Classification: C۵۰.D۲۴.F۴۳.E۳

^{۱۶}. Assistant Professor, School of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, E.Mail: F_dejpasand@sbu.ac.ir

^{۱۷}.PhD student at Tehran University, School of Economics, E.Mail: Amiry۸۲@yahoo.com

^{۱۸}.Master planned economic system Shahid Beheshti University,E.Mail:benyamin۱۶۲@gmail.com